

پرتویی از اسرار نماز

نوشته حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

فصل های کتاب پرتویی از اسرار نماز :

✕ سیمای نماز

✕ اهمیت نماز

✕ نماز از دیدگاه عقل و وجدان

✕ ترک نماز

✕ نمازهای مردود

✕ آداب نماز

✕ مقدمات نماز

✕ اجزای تشکیل دهنده نماز

✕ نماز جماعت

سیمای نماز

بحث های پیرامون عبادات و شرایط و فلسفه آن گذشت ، پس از ذکر آن کلیات ، به مصادیق آن می پردازیم و به بارزترین نوع بندگی که « نماز » است وارد می شویم . ابتدا باید جایگاه نماز را در متون دینی (قرآن و حدیث) بشناسیم ، سپس به جزئیات و اسرار آن برسیم . اینک به گوشه ای از نظرهای مکتب وحی پیرامون نماز توجه کنید :

نماز ، از مهمترین سفارش های انبیاء بوده و از بارزترین مصادیق عبادت است . حضرت لقمان به فرزندش می گوید :

پسر کم ! نماز را بر پای دار « ینی اقم الصلوه » .

نماز ، داروی نسیان و وسیله ی ذکر خداوند است « اقم الصلوه لذكری »

نماز پیمان خداوند است .

رسول خدا (ص) فرمود : « الصلوه عهد الله » .

نماز نور چشم پیامبر عزیز است که فرمود : « قره عینی فی الصلوه » .

نماز ، اهرم استعانت در غمها و مشکلات است . خداوند می فرماید : از صبر و نماز در مشکلات کمک بگیرید و بر آنها پیروز شوید : « واستعينوا بالصبر و الصلوه » .

نماز داروی تکبر است . علی (ع) می فرماید : خداوند نماز را واجب کرد تا انسان را از کبر ، دور کند : « والصلوه تنزيها عن الكبر » .

نماز وسیله ی تشکر از خداوند بر نعمت های اوست : « فصل لربك و انحر » .

نماز سیمای مکتب است : « الصلوه وجه دینکم »

نماز به منزله ی پرچم و آرم و نشانه ی مکتب اسلام است . پیامبر فرمود : « علم الاسلام الصلاه » .

نماز پایه و ستون دین است . « و هی عمود دینکم » .

نماز به منزله ی سر نسبت به تن می باشد . پیامبر اسلام فرمود : « موضع الصلاه من الدین کموضع الراس من الجسد » .

نماز کلید بهشت است : « الصلاه مفتاح الجنه » .

نماز وسیله سنجش مردم است : « الصلاه میزان » .

نماز اساس دین است : « بنی الاسلام علی ... الصلاه » .

نماز اولین سوال در قیامت است : « اول ما یحاسب به العبد الصلاه » .

نماز ، گناهان را از بین می برد . در حدیث ، نماز به نهری تشبیه شده که انسان روزی پنج بار در آن شستشو می کند و

دیگر چرکی باقی نمی ماند .

نماز رابطه ی مخلوق با خالق است ، انسان مادی را معنوی می کند و انسان را علاوه بر آشنا کردن با خدا ، با طبیعت نیز

آشنا می سازد ، با آب ، خاک ، قبله ، طلوع ، غروب و وقت و ...

نماز تنها عبادتی است که حتی در حال غرق شدن و جنگ هم ساقط نمی شود و برترین فریاد آزادگی انسان از سلطه

قدرتمندان و اعلام بندگی در آستان خداوند است .

نماز زنده نگهداشتن سنت ابراهیم و محمد و حسین و مهدی (ع) است .

نماز وسیله ی نزدیک شدن انسان به خداست : « الصلاه قربان کل تقی » .

نماز آخرین سفارش انبیاء « و هی آخر وصایا الانبیاء » و آخرین سفارش امام صادق (ع) پیش از وفات است که همه‌ی خویشاوندان و فرزندان را دور خود جمع کرد و توصیه نمود که هر که نماز را سبک شمارد، مشمول شفاعت ما در قیامت نخواهد شد .

نماز برای اولیاء خدا شیرین و برای منافقان دشوار و بار سنگین است : « و انها لکبیره الاعلی الخشعین » .

نماز ، کوبنده شیطان است : « مدحره للشیطان » .

اهمیت نماز

جز آنچه از آیات و احادیث نقل شد ، رفتار اولیاء خدا نیز اهمیت و جایگاه نماز را بیان می کند . نماز ، جزء برنامه انبیاء بوده است .

حضرت عیسی (ع) در گهواره می گوید : خداوند مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است : « واوصنی بالصلوه و الزکوه مادمت حیا » .

امام حسین (ع) حتی ظهر روز عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد .

حضرت ابراهیم (ع) همسر و کودک خویش را در بیابان های داغ مکه که آن هنگام هیچ آب و گیاهی نداشت ، مسکن داد و گفت : خدایا تا نماز به پا دارند : « انی اسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیموا الصلوه » .

پیشوایان معصوم ما ، هنگام نماز ، رنگ خود را می باختند و می فرمودند : وقت ادای امانت الهی و حضور در پیشگاه الهی است .

گرچه بعضی نماز را به طمع بهشت یا ترس از عذاب جهنم می خوانند . اما امیرالمومنین (ع) نماز را نه برای تجارت یا سپری از آتش ، بلکه بخاطر شایستگی خدا برای عبادت ، انجام می دهد .

برای اهتمام به این برنامه سازنده ی اسلام به پدران و مادران سفارش کرده که اطفال خود را قبل از بلوغ ، مثلاً از سن هشت سالگی به هر نحو که می توانند وادار به نماز کنند و گاهی هم بخاطر بی اعتنایی شان ، از خود خشونت نشان دهند .

آنکه اهل نماز است ، با مبدا هستی مرتبط است ، مثل خلبانی که با اتاق فرمان ارتباط دارد .

نماز ، سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش هاست . قرآن ، پس از دستور به نماز می فرماید : « ان الحسنات

یذهبن السيئات » نیکی ها ، بدی ها را از بین می برد .

نماز از دیدگاه عقل و وجدان

یکی از حقوق انسانی، سپاس از محبت و نیکی دیگران است. حتی اگر مسلمان نباشیم. احسان و نیکی دیگران به عهده‌ی ما مسئولیت تشکر می‌گذارد. این حق، نسبت به هر زبان و نژاد و ملیت و کشور، یکسان است. هر چه لطف و نیکی بیشتر و نیکی‌کننده بزرگتر باشد، تشکر هم باید بیشتر و بهتر انجام گیرد.

آیا کسی بیشتر از خدا بر ما حق دارد؟ ... خیر چرا که نعمت و نیکی او درباره‌ی ما بشمار است، و خودش نیز وجودی عظیم و فیاض می‌باشد.

خداوند، ما را از یک سلول آفرید، و هر چه نیاز حیات ما بود، از قبیل: نور، حرارت، مکان، هوا، آب، اعضاء، غرائز، قوا، طبیعت گسترده، گیاهان و حیوانات، هوش و عقل و عاطفه و ... برایمان فراهم کرد و برای تربیت معنوی ما، رسولان خویش را فرستاد و احکام سعادت بخش مقرر کرد و حلال و حرام، وضع نمود و «حیات مادی» و «حیات روحی» ما را از هر جهت، برخوردار از ابزار و وسائل کمال ساخت و همه شرایط رشد و بهروزی و سعادت دنیوی و اخروی ما را فراهم نمود. چه کسی بیش از خداوند به ما نیکی کرده، که بیش از او شایسته‌ی ادای حق باشد.

به قول سعدی: هر نفسی که فرو می‌رود، ممد حیات است و چون بر می‌آید، مفرح ذات، پس در هر نفسی دو نعمت موجود است. و بر هر نعمتی شکری واجب.

کز عهده‌ی

از دست و زبان که بر آید

شکرش به در آید

او ما را از هدایت انبیاء و معصومین برخوردار ساخت. جهان و طبیعت را مسخر انسان کرد و به او قدرت بهره بردن از مواهب طبیعت و کشف رازهای جهان و استفاده از آن در مسیر فلاح و زندگی خویش داد.

برگها و گیاهان کربن هوا را می گیرند و اکسیژن می سازند .

قطرات باران ، هوا را صاف و سالم می کنند. نهنگ ها ماهیان مرده دریاها را می بلعند تا آب ها بدبو نشوند. چشم های ما، هر لحظه ، از زاویه های مختلف عکسهای گوناگون و دقیق از همه چیز می گیرد. اگر لب ما نرم نبود، قدرت حرف زدن نداشتیم. اگر اشک، شور نبود، چشم ما که از پی آفریده شده ، خراب می شد. اگر آب ها تلخ و شور بود ، درختان نمی روئیدند. اگر زمین، جاذبه نداشت، و اگر فاصله خورشید به ما نزدیک تر بود . اگر هنگام تولد مکیدن را نمی دانستیم ، اگر مهر پدر و مادر نبود ، و هزاران « اگر » دیگر ... آیا می توانستیم به زندگی ادامه دهیم؟ البته نه در صدد بر شمردن نعمت های خداییم و نه از عهده ی آن بر می آییم؛ که خداوند خود فرمود اگر نعمت های الهی را بشمارید ، نمی توانید آنها را به حساب آورید.

باری ... اگر یک میلیونیم این نعمت ها را از کسی دیگر دریافت می کردیم ، همه ی عمر مدیون و سپاسگزار او بودیم. وظیفه ی انسانی و وجدانی ما ، ایجاب می کند که سپاس نعمت های الهی را ادا کنیم و به شکرانه ی آن همه نیکی ، نماز بخوانیم و او را بپرستیم. چون او ما را آفریده، ما هم او را عبادت کنیم و بنده ی او باشیم تا بنده و برده شرق و غرب نشویم.

نماز ، تشکر از خداوند است و هر انسان عاقل و با وجدانی ، به لزوم نماز پی می برد. وقتی یک سگ، در مقابل استخوانی که به او می دهند، حق شناسی می کند و دم می جنباند و اگر دزد و بیگانه ای وارد خانه شود، به او حمله می کند، اگر انسان نسبت به این همه نعمت پروردگار ، بی تفاوت باشد و از روحیه ی سپاسگزاری که به صورت « نماز » جلوگیری می شود ، بی بهره باشد ، آیا در قدر شناسی کمتر از سگ نیست؟! ...

چند سوال و جواب

سوال: مگر خداوند به تشکر ما نیاز دارد؟ جواب: هر گز! قدر دانی از یک لطف، ارزشی برای ماست و نشانه ی انصاف ماست ، نه اینکه نشان نیاز خدا به نماز ما باشد ، اگر معلمی به شاگردش گفت : از زحمات من قدر دانی کنید و خوب

درس بخوانید ، شاگرد نباید خیال کند که خوب درس خواندن او و قدر دانی، مورد نیاز معلم است. بلکه کمال شاگرد را می رساند.

سوال: اگر بناست از نعمت های الهی تشکر کنیم ، چرا حتماً نماز بخوانیم ؟

جواب: وقتی اصل لزوم تشکر را قبول کردیم ، چگونگی آن باید طبق دستور باشد . وقتی مراجعه ی بیماری به پزشک ، ضروری تشخیص داده شد . چگونگی مصرف دارو ، تابع دستور پزشک است . برای اینکه در تشکر ها سردرگم نشویم و یاوه نگوئیم ، باید طبق خواسته ی خدا سپاس انجام دهیم . یک خلبان ، همینکه پرواز را پذیرفت ، در هر کجای دنیا که خواست ؛ با برج مراقبت تماس بگیرد ، باید به زبان انگلیسی سخن بگوید . پس نحوه ی تشکر را باید از دستور الهی و اولیا خدا فرا بگیریم .

سوال: تشکر در برابر نعمت ها درست ، ولی آنکه در میان ناگواریهای زندگی می کند ، او چرا باید تشکر کند؟

جواب: اولاً بیشتر ناراحتی ها به دست خود ما فراهم می آید ، مثلاً با رعایت نکردن بهداشت، مریض می شویم، و با درس نخواندن تنبلی، دچار رکود در زندگی می گردیم، در انتخاب دوست، دقت نمی کنیم، گرفتار می شویم ... و ثانیاً: تلخی ها را باید در کنار شیرینی ها حساب کرد و بلاها را در کنار نعمت های بی شمار دید. ثالثاً: گاهی سختی ها بلاها ، باعث کمال روح و صیقل خوردن جان و سبب ترقی معنوی می باشد و دلها از غیر خدا بریده ، به او متوجه می شود.

ترک نماز

ترک نماز، قطع رابطه کردن با آفریدگار هستی است و این در دنیا و آخرت، عواقب تلخی دارد. در قیامت، اهل بهشت از دوزخیان می پرسند: چه چیز شما را روانه ی جهنم کرد؟ یکی از پاسخ هایشان اینست که ما پابند به نماز نبودیم: «لم نک من المصلین».

در جایی دیگر، به نماز گزارانی که نسبت به نمازشان سهل انگار و بی اعتنا هستند و گاهی می خوانند و گاهی نمی خوانند، می گوید: وای بر آنان: «فویل للمصلین الذین هم عن صلاتهم ساهون».

رسول خدا (ص) فرموده است: «من ترک الصلاة متعمداً فقد کفر» هر که از روی عمد و با توجه نماز را رها کند، از اسلام خارج شده و کافر است. و نیز فرموده است: «بیم العبد و بین الکفر ترک الصلاة» مرز میان اسلام و کفر، چیزی بیش از رها کردن نماز نیست. ارزش گذاری به نماز، نشانه ی ایمان به خداست و بی اعتنایی، دلیل ضعف عشق و علاقه به معنویات است.

حضرت علی (ع) فرمود: «ان اسرق الناس من سرق صلاته» سارق ترین و دزدترین افراد، آنانند که از نمازشان بکاهند و بدزدند. در جای دیگر فرمود: کسانی که نماز را سبک می شمردند، مانند زنانی هستند که سقط جنین می کنند، نه می توان آنان را حامله نامید و نه می توان به آنان بچه دار گفت و نیز فرمود: «من ضیع الصلاة فهو لغيرها اضیع» کسی که نماز را سبک شمارد و ضایع کند، نسبت به غیر نماز، تضییع بیشتری خواهد داشت. پیامبر اسلام (ص) فرمود: آنکه نماز خود را تباه کند، در قیامت در کنار قارون و هامان خواهد بود. وای بر کسی که از نماز خود مواظبت نکند... و نیز کسی که نماز را سبک شمرد، خداوند برکت و بهره خیر را از عمر و مال او بر می دارد، پاداش کارهای او از بین می رود، در برزخ، شکنجه ظلمت و فشار می چشد و در قیامت حساب سختی از او کشیده می شود و فرمود: هر که نماز را سبک شمرد، از امت من نیست.

از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: همینکه انسان در نماز به غیر خدا توجه می کند، خداوند به او می فرماید: «الی من تقصد؟ ارباً غیری ترید؟ و رقیباً سوای تطلب جواداً خلاًئی تبغی؟» به که توجه می کنی؟ آیا پروردگار غیر از من سراغ داری؟ آیا مراقبی جز من در کار است؟ آیا به بخشنده ای غیر از من دل بسته ای؟ بخشنده ترین کس منم

اگر توجه به من داشته باشی ، من و فرشتگانم به تو توجه داریم ...

نماز مردود

گفتیم که ممکن است عملی صحیح باشد ولی مورد قبول قرار نگیرد، مثل جنس بی مشتری. در احادیث، نماز برخی از افراد را فاقد ارزش و مردود به حساب آورده اند، که به چند نمونه اشاره می شود:

× بی تفاوت ها

امام صادق (ع) فرمود: نماز کسانی که نسبت به برهنگان و آوارگان جامعه بی تفاوتند، قبول نیست.

× حرام خواران

پیامبر اکرم (ص) فرمود: نماز حرام خواران، مثل بنای ساختمان بر ریگ است. « الصلاة مع اكل الحرام كالبناء علی الرمل ».

× بی تعهدان در خانه

رسول خدا (ص) فرمود: نماز زنی که از درآمد شوهر بهره مند می شود ولی به مسئولیت الهی خود عمل نمی کند، پذیرفته نیست.

× تارکان زکات:

در قرآن در اکثر موارد پرداخت زکات را در کنار بر پا داشتن نماز آورده، و در احادیث بسیاری آمده است که نماز آنانکه زکات مال خویش را نمی دهند پذیرفته نمی شود. روزی رسول خدا ص وارد مسجد شد و نه نفر را به جرم اینکه زکات نمی دادند، از مسجد بیرون کرد، سپس اقامه ی نماز نمود. آری، رابطه ی با خدا باید در کنار رابطه با محرومان جامعه باشد.

× افراد لا ابالی:

نماز کسی که اهل تقوا نیست، یا رکوع و سجودش را در نماز به طور مطلوب انجام نمی دهد، پذیرفته نیست.

× حاقن و حاقب:

حاقن و حاقب، یعنی کسی که بول و غائط خود را نگه می دارد و بدینوسیله به خود فشار آورده و دچار ضررهای

جسمی می شود. این کار، علاوه بر زیان برای سلامتی، در نماز هم موجب عدم تمرکز فکر می شود و

حضور قلب را از بین می برد. امام صادق (ع) فرمود: نماز چنین کسانی قبول نمی شود.

× پیش نماز غیر محبوب:

گاهی در مسجدی، مردم به پیش نمازی علاقه نداشته باشند و او را قبول نکنند. ولی او بخاطر حفظ خود، حاضر

نباشد مسجد یا پایگاه خود را رها کند. طبیعی است که چنین موردی، موجب بروز برخورد و خلوت شدن

نماز جماعت می شود. در روایات، نماز جماعت چنین کسانی مردود شمرده می شود.

آداب نماز

رعایت نکاتی که به آداب نماز مربوط می شود (همچنین مسواک ، نظافت ، توجه به خدا ...) در کمال این عبادت موثر است. امام باقر (ع) فرموده است: « علیک بالاقبال علی صلاتک فانما یحسب لک منها ما اقبلت علیه » در نماز ، توجه به خدا داشته باشد ، زیرا از نماز ، آن مقدار قبول می شود که با توجه خوانده شود.

سپس حضرت می فرماید : هنگام نماز ، با دست و سر و صورت خود بازی مکن ، زیرا همه ی این کارها ، سبب نقض نماز می شود ، در حالت کسالت و خواب و سنگینی مشغول نماز مشو ، زیرا چنین نمازی ، از آن منافقان است. در حدیثی از پیامبر نقل شده : « رکعتان من رجل ورع افضل من الف رکعه من مخلط » دو رکعت نماز انسان با تقوا ، برتر از هزار رکعت نماز فرد لاابالی است.

مقدمات نماز

برای ورود به عبادت سازنده ی نماز ، به یکسری مقدمه های جسمی و روحی ، از نظر پاکی و نظافت در جسم و لباس و روح و آمادگی های دیگر نیاز است که به آنها اشاره می شود. مقصود از مقدمات ، چیزهایی است که انجام یا تهیه آنها قبل از نماز ، لازم است ، این مقدمات اموری هستند که به آنها می پردازیم .

۱. طهارت

۲. لباس نماز گزار

۳. قبله

۴. اذان

طهارت

نماز گزار ، باید برای انجام این عبادت ، کسب طهارت کند ، گاهی با وضو یا غسل ، و در شرایطی هم تیمم می کند. وضو جزء ایمان است و به تعبیر امام باقر (ع) نماز بدون وضو ، نماز نیست: « لاصلاه الا بطهور » و در برخی روایات از وضو به عنوان « کلید ایمان » و « نصف ایمان » تعبیر شده است.

امام رضا ع بیان جالبی درباره وضو دارد و می فرماید :

۱. « لان یكون العبد طاهراً اذا قام بين يدي الجبار عند مناجاته » وضو یک ادب در برابر خداست تا بنده

، هنگام نماز ، وقتی در برابر خداوند می ایستد پاک باشد.

۲. « نقبأمن الادناس و النجاسه » از آلودگی ها و پلیدی ، پاکیزه باشد .

۳. « مع ما فيه من ذهاب الكسل و طرد النعاس » به علاوه ، در وضو از بین رفتن کسالت و طرد خواب

آلودگی (و ایجاد نشاط) است.

۴. « و تزكیه الفواد للقیام بین یدی الجبار » و دل و روح را آماده ایستادن در برابر پروردگار می

سازد .

امام در این حدیث شریف ، به همه ی ابعاد جسمی و روحی وضو ، یعنی نظافت و پاکی و آمادگی روح و کسب نشاط عبادت و پدید آوردن زمینه معنوی عبادت اشاره فرموده است .

مرحوم فیض کاشانی می گوید: یکباره برخاستن از مادیات و کوچ به معنویات مشکل است ، ولی وضو گرفتن انسان را کم کم آماده می سازد.

وضو در هر حال

نورانیت و صفای باطنی که در سایه وضو پدید می آید، بسیار ارزشمند است. از این رو، در روایات تأکید شده که انسان همواره با وضو باشد، وضو به نور تشبیه شده و خوابیدن با وضو همچنان احیاء و شب زنده داری به حساب آمده است .

برای دعا ، تلاوت قرآن ، زیارت و بسیاری از کارهای نیک و عبادی ، سفارش به داشتن وضو شده است . بدون وضو دست زدن به آیات قرآن و نام های خدا و ائمه و پیامبر ممنوع است. حتی اگر نام خدا به صورت های مختلف و آرم نهادها و موسسات در آید .

وضو، بمنزله ی اجازه ی ورود به حضور پروردگار است و برای قسمت های مختلف آن هم دعاهای خاصی در کتب بیان شده است . مسائل وضو بسیار است که در این مجموعه نمی گنجد. ولی ناگفته نماند که مصرف آب در وضو اگر به حد اسراف برسد حرام است . رسول خدا ص فرموده است : « الوضوء مد و الغسل صاع و سیاتی اقوام یستقلون ذلک فاولئک علی خلاف سنتی » برای وضو ده سیر آب ، و برای غسل سه کیلو آب کافی است . ولی افرادی در آینده می آیند که این مقدار را کم می شمارند و آب زیاد مصرف خواهند کرد که آنها برخلاف راه من می روند .

طهارت برای نماز مراحل دارد :

۱. طهارت ظاهر از نجاسات و آلودگی ها
۲. طهارت اعضا از گناهان و جرائم
۳. طهارت روح از مفسد اخلاقی ، آنگونه که در دعاها می خوانیم: « الهی طهر قلبی من الشرك » خدایا دلم را از شرک پاک ساز.

وقتی در نماز لازم باشد که لباس و بدن از آلودگی ها پاک باشد آیا لازم تر آن نیست که دل و جان ، از کبر و ریا و حسد و کینه هم پاک باشد ؟ و آیا دوگانگی ظاهر از باطن نوعی نفاق نیست.

غسل

گاهی برای کسب طهارت، باید غسل کرد. از جمله ی موارد آن جنابت است و باید طبق دستوری که مراجع تقلید در کتاب های توضیح المسائل خود بیان کرده اند، تمام بدن شستشو داده شود. بعضی احادیث می رساند در جنابت همه اندام انسان تحریک می شود « من تحت کل شعر » و شاید بهمین خاطر باشد که در غسل باید همه بدن شسته شود . شاید این احادیث اشاره به فعالیت اعصاب سمپاتیک در هنگام جنابت باشد که این اعصاب در تمام بدن وجود دارد و فعالیت می کند.

تیمم

وقتی آب برای وضو یا غسل نبود یا وقت برای وضو یا غسل کم بود یا مصرف آب برای سلامتی انسان ضرر داشت یا قیمت آب، در حد غیر قابل تحملی گران بود یا آب را برای آشامیدن و حفظ جان لازم داشتیم در اینگونه موارد باید تیمم کرد. یعنی طبق دستوری که در رساله ها آمده، دست ها را بر خاک پاک زد و بر پیشانی و پشت دست ها کشید. آن هم خاکی که پاک و بهداشتی باشد، نه از هر خاک آلوده ای! در حدیثی می خوانیم که حضرت علی (ع) از تیمم کردن بر خاک های کنار کوچه ها نهی فرمود.

لباس و مکان نماز گزار

مرد نماز گزار باید عورت خود را بپوشاند و بهتر است از ناف تا زانو پوشیده باشد. اما زن نماز گزار باید تمام بدن را جز دست و صورت و دست ها و پاها تا مچ را بپوشاند. این پوشش هم باید با لباس پاک و حلال باشد. بهتر است که لباس نماز گزار، سفید و پاکیزه باشد و بوی خوش استعمال کند و با انگشتر عقیق به نماز ایستد و از لباس های سیاه و چرک و تنگ یا لباس افراد لایابالی نسبت به امر پاکی و نجسی استفاده نکند. همچنین مکان و فرش و تختی که روی آن نماز خوانده می شود باید حلال باشد. تصرف در ملک مرده ای که خمس یا زکات بدهکار است، حرام و نماز آن باطل است و اگر با پولی که خمس و زکات آنرا نداده اند ملکی بخرند. تصرف در آن حرام و نماز در آنجا باطل است.

مسائل مربوط به مکان و لباس، فراوان است. این نکات، علاوه بر جهت تعبد و روحیه تسلیم در برابر فرمان خدا، جهات دیگری هم دارد که به آنها اشاره می شود:

۱. مراعات ادب

مقتضای ادب در برابر خدا و ایستاده در آستان جلال و عظمت او، آنست که نماز با بهترین و پاک ترین لباس باشد، و نماز گزار از توجه و حضور قلب برخوردار بوده و از آراستگی ظاهر و باطن بهره مند باشد. حتی نماز خواندن در جلوی قبر پیامبر اکرم (ص) و امامان، گاهی بی ادبی و موجب بطلان نماز است.

۲. مراعات حقوق دیگران

برخی از این شرایط به رعایت حقوق دیگران مربوط می شود. اینکه لباس و مکان نماز گزار حلال و مباح باشد برای رعایت حق حکومت اسلامی و حق محرومان جامعه و سایر مردم است. حتی نماز در کنار جاده ها و در خیابان ها اگر سبب مزاحمت برای عابران باشد حرام است.

۳. رعایت اولویت‌ها: در کنار شرایط اصلی یکسری نکات مستحب وجود دارد که بیانگر توجه اسلام به اولویت

هاست. مثلاً گرچه در شرایط عادی و غیر اضطراری مکان نماز گزار، باید مباح بی حرکت مسطح و پاک

باشد. ولی نماز در بعضی جاها مورد تاکید بیشتر است. مانند مسجد.

قبله

نماز، رو به کعبه مقدس برگزار می‌شود. جهتی که به آن رو می‌کنیم و به نیایش خدا می‌پردازیم «قبله» نام دارد. گر

چه به هر سو که بایستیم رو به خداست. ولی توجه به یک کانون مقدس مانند کعبه الهام بخش توحید و یاد آور خط

توحیدی ابراهیم (ع) است. به علاوه وقتی دستور این است که نماز به طرف کعبه باشد انجام آن لازم است و گرنه

عبادت ما فاقد روح تعبد و تسلیم است.

در آغاز اسلام سالها قبله ی مسلمانان «بیت المقدس» بود. رسول خدا (ص) نمی‌خواست کعبه را که به صورت بتخانه

در آمده بود قبله ی عبادت قرار دهد. ولی پس از هجرت شرایطی پیش آمد که قبله ی مسلمانان از بیت المقدس به

مسجد الحرام تغییر یافت. یکی از علل آن زخم زبانی بود که یهودیان به مسلمین می‌زدند و می‌گفتند: شما

خودتان قبله ندارید و بسوی قبله ی ما نماز می‌خوانید رسول خدا (ص) از این وضع آشفته بود و انتظار گشایشی را از

سوی خدا می‌کشید که آیات قرآن نازل شد و دستور آمد که هر کجا هستید رو به مسجد الحرام بایستید و نماز بخوانید

. آیات تغییر قبله در طول تاریخ به مسلمانان این درس را می‌دهد که مستقل و آزاد باشند و زیر بار منت دیگران، حتی

در مسائل عبادی هم نروند و شرافتمندانه زندگی کنند. دلیل دیگرش آن بود که یهودیان به مسلمانان نگویند که شما

خود قبله ندارید و بسوی قبله ی ما نماز می‌خوانید. این نکته استقلال فرهنگی و شخصیت مستقل مسلمین را الهام می

بخشد.

مسلمانان باید در عبادت رو به کعبه کنند حتی در کارهایی چون خواب و خوراک خوبست به سمت قبله باشند. ذبح

حیوانات باید رو به قبله باشد و گرنه گوشت آنها حرام می‌شود. این جهت گیری در همه ی امور به سوی کعبه توحید

درس ایمان و یاد خدا به مسلمانان می‌دهد تا همواره متوجه به خانه محبوب و معبود داشته باشند و از غفلت در آیند.

بعلاوه این سمت گیری به سوی کعبه نظم و وحدتی شگفت و زیبا می آفریند و همه ی مسلمانان در هر جای دنیا که باشند وقت نماز به سوی آن کانون خدایی رو می کنند. اگر کسی از فراز آسمانها به صفوف نمازگزاران کره زمین بنگرد دایره های متعددی را می بیند که مرکزیت همه آنان کعبه است. و توحید نقطه تمرکز فکر و دل و جان و صفوف مسلمین است. از رهگذر توجه به قبله، علم هئیت و جغرافیا و جهت شناسی نیز در میان مسلمانان رشد کرد.

اذان

گفتن اذان و اقامه نیز از کارهای پیش از نماز و زمینه ساز توجه بیشتر به خداوند در نماز است. اذان اشعاری است سکون شکن، موزون کوتاه، پر محتوا و سازنده که در بر دارنده ی اساسی ترین پایه های اعتقادی و جهت گیری عملی مسلمانان است. اذان اعلام موجودیت اسلام معرفی عقاید و اعمال مسلمانان و فریاد علیه معبودهای خیالی است. اذان نشانه باز بودن فضای تبلیغات و اعلام مواضع فکری مسلمین به صورت روشن و صریح است. این شعار توحیدی اولین جملاتی است که در گوش نوزاد خوانده می شود و نخستین درسهای خدایی را به او منتقل می سازد و برای بزرگان نیز، همواره عامل هشیاری و بیداری از غفلت می رسد؟

اذان صدایی است که شیطان ها را به فرار و دلهره وا می دارد. سفارش شده که در خانه ها، بخصوص هنگام بیماری، اذان بگوئید و بکوشید که با صدای زیبا باشد. در حدیثی رسول خدا (ص) فرموده است. « سیاتی علی الناس زمان یترکون الا اذان علی ضعفائهم » زمانی خواهد آمد که اذان را تحقیر کرده و آنرا به افراد ناتوان می سپارند. در حدیث است: روز قیامت که بیشتر مردم از خجالت سرافکننده اند اذان گویان با سرافرازی تمام، با قامتی برافراشته محشور می شوند. قامت بلند آنان نشانه مقام رفیع است. موذن در اجر و پاداش با کسانی که بخاطر اذان او به نماز آیند شریک است.

بلال حبشی، مسلمان سیاهپوستی بود که رسول خدا (ص) او را به موذنی برگزید. وقتی اذان از طریق وحی نازل شد پیامبر آنرا به بلال آموخت که صدایی رسا داشت. اینکه آنحضرت او را به اذان گویی انتخاب کرد برای ما درسهایی دارد از جمله:

۱. شخصیت و عظمت دادن به برده ها، چرا که بلال برده ای بود که سخنگوی اسلام و منادی امت شد.

۲. شخصیت دادن به سیاهپوست و اینکه رنگ چهره ملاک نیست.

۳. تحقیر متکبرانی که روزی بر بلال آقایی می کردند و فخر می فروختند و حتی او را مسخره می کردند.

ایمان و تقوا و لیاقت، کمبودهای ظاهری را جبران می کند. بلال با آنکه بجای شین سین تلفظ می کرد و این نقص زبانی را داشت، ولی اسلام به کمال معنوی و زیبایی باطنی او بیشتر بها داد. بلال اولین کسی است که در اسلام اذان گفت. او در آغاز بعثت پیامبر به وی ایمان آورد و در راه ایمانش متحمل شدیدترین شکنجه ها بر ریگزارهای تفتیده ی حجاز شد و همچنان ندای « احد احد » را بر زبان داشت. روز فتح مکه نیز هنگام ظهر به فرمان پیامبر بالای کعبه رفت و اذان گفت و بت ها را فرو ریخت.

بلال در جنگ های بدر احد، خندق شرکت داشت. بعد از رسول خدا (ص) برای دیگران اذان نگفت. یکبار برای حضرت زهرا (ع) که دلتنگ زمان پدر شده بود اذان گفت، آنگاه هم در نیمه ی اذان مردم و حضرت زهرا (ع) گریه سر دادند. این برخورد بلال در این مسیر بود که اذان را هم در راه حق و در روزگار پیشوای شایسته سر دهد.

روزی عمر به بلال گفت: ابوبکر تو را خرید و از بردگی آزاد کرد چرا برای نماز گزاران او اذان نمی گویی؟ گفت:

اگر برای رضای خدا آزادم کرد که طلبی ندارد، ولی اگر هدف دیگری داشته، من حاضرم باز برده باشم ولی هرگز برای کسی که پیامبر خلافت او را نگفته است اذان نمی گویم. بلال حاضر نبود حتی اذانش که یک شعار دینی است،

در مسیر تقویت نظامی باشد که قبولش ندارد.

بلال آن غلام حبشی در سایه ایمان، به مقامی می رسد که سخنگوی نهضت رسول می شود، و خزانه دار بیت المال.

راستی اگر هنگام اذان دانشجویان سراسر اروپا و امریکا و ... اذان بگویند مردم دنیا را به فکر و انمی درد. در اینجا یادی

از مرحوم شهید نواب صفوی کنیم . که به یارانش گفته بود هنگام ظهر و مغرب ، هر جا که بودید، با فریاد بلند اذان

بگوئید. همین اذان ها بود که وحشتی در نظان طاغوت افکنده بود. این گوشه ای از معنای آن حدیث است که می

فرماید: با صدای اذان شیطان عصبانی می شود و می گریزد.

بی جهت نیست که گلاستون سیاستمدار انگلیسی در پارلمان گفته بود، تا نام محمد (ص) بر فراز ماذنه ها بلند است و

تا کعبه بر پا و قران راهنمای مسلمانان است، امکان ندارد پایه های سیاست ما در سرزمین های اسلامی استوار و برقرار

گردد. بخاطر محتوای غنی و ابعاد سازنده اذان است که دستور اکید داده شده در مطلع نماز این شعار توحیدی خوانده

شود.

اجزای تشکیل دهنده نماز

پس از نیت که تصمیم بر انجام عبادت برای خداوند است و بر پایی نماز به قصد تقرب به پروردگار وارد نماز می شویم. همراه با «حضور قلب» و آمادگی روحی و توجه کامل به پروردگار، تکبیر می گوئیم. این توجه و حضور دل، همچون روح برای نماز است. اجزای تشکیل دهنده نماز به شرح زیر می باشند. با کلیک کردن بر روی هر قسمت می توانید توضیحات مربوط به آن بخش را مشاهده نمایید.

۱. الله اکبر

۲. سوره حمد

۳. سوره توحید

۴. رکوع

۵. سجود

۶. معنای «سبحان الله»

۷. قنوت

۸. تشهد

۹. سلام

الله اکبر

خدا برتر و بزرگتر از فکر و خیال ما و برتر از توصیف با قلم و بیان ما است. عظمت او، فراتر از درک و شناخت تصور ماست. هر چه را اراده کند، در همان لحظه انجام می گیرد. فرمانش مطاع است. پدیده ها و انسان را از نیستی به وجود آورده، همه را روزی داده هدایت کرده، بازگشت همه به سوی اوست و جان و هستی همه جانداران و

جمادات، در دست قدرت اوست. اوست که عزت می بخشد و ذلیل می کند، بی نیاز است و همه به او محتاجند. انسان ها را در رحم مادران، تصویرگری می کند، غرائز هدایتگر را در فطرت آنها به ودیعه می گذارد، بیماری ها را شفا می بخشد. ناتوان ها را توان می بخشد، همه چیز مردنی و فانی است مگر ذات او. در قیامت، حساب و کتاب و پاداش و کیفر همه، با اوست. آنروز معلوم خواهد شد که همه کاره اوست و دیگران را کاری ساخته نیست و آنانکه به درگاه غیر او روی می آورند باخته و زیان کرده اند ...

نماز مان با نام چنین خدای عظیمی شروع می شود. پس از نیت تکبیره الاحرام می گوئیم و وارد نماز می شویم ...

الله اکبر، شعار برتری و اعتلای مکتب و عقیده ماست. نماز با «الله اکبر» شروع می شود و با «رحمه الله» ختم می گردد. نمازی که هم توجه قلبی دارد، هم توصیف و ثنای زبانی دارد، هم حمد و ذکر را با گوش می شنویم، و هم با اندام و حرکات اعضاء به عبادت می پردازیم. نمازی که با نام «الله» آغاز می شود. نه مثل بت پرستان و مسیحیان و طاغوتیان، که با نام بت، یا نام عیسی (ع) یا طاغوت ها و شاهان، کار را شروع می کنند.

نمازی که همراه با الله اکبر است، و این شعار، که خط بطلان بر باطل ها و قدرت های پوچ می کشد، در طول نمازهای واجب و مستحب روزانه، هشتاد و پنج بار تکراری شود و پیش از نماز و پس از نماز هم با عناوین مختلف به صورت مستحب بازگو می شود و این شعار، در طول نمازها تکرار می شود و رمز رشد و تربیت ما در ابعاد معنوی، در سایه ی همین تکرارهاست.

خدا بزرگتر از همه چیز است. بزرگتر از آنکه با دیگران مقایسه شود و با حواس ظاهری درک شود. بزرگتر از هوس های ما و حرف های دیگران و وسوسه های شیطان و جلوه های دنیا. اگر خدا در نظر ما بزرگتر باشد و «الله اکبر» از عمق جانمان و از روی ایمان و باور برآید. دیگر دنیا و جاذبه هایش، قدرت ها و جلوه هایشان، در نظر ما کوچک و بی جلوه خواهد بود.

رضای او، در نظر ما از هر گچیزی برتر خواهد بود. امام صادق (ع) می فرماید: همین که در شروع نماز تکبیر می

گوی، باید تمام هستی نزد تو کوچک باشد، جز «او» و گرنه خطاب می شود، تو دروغگویی!

اگر در فکر نماز گزار چیزی دیگری باشد، دروغگو به حساب می آید. همانگونه که منافقان به زبان، به پیامبری رسول خدا (ص) گواهی می دادند ولی به حرف خود ایمان نداشتند. خداوند آنان را دروغگو نامید: «والله یشهد ان المنفقین لکذبون». چرا که این گونه دو گانگی زبان و عقیده، نوعی نفتاق است. از این رو امام صادق (ع) می فرماید: خداوند به چنین نماز گزارانی خطاب می کند: «اتخذعنی؟ و عزتی و جلالی لاحرمک حلاوه ذکرى لاحجبک عن قربی و المسره بمناجاتی» آیا با من حيله و نیرنگ می کنی؟ سوگند به عزت و جلال خودم، شیرینی ذکر و یاد خود را از تو می گیرم و تو را از مقام قرب خویش و لذت مناجاتم، محروم می کنم.

مرحوم فیض کاشانی پس از نقل این حدیث می گوید: هر گاه در نماز حلاوت و شیرینی مناجات را یافتید، بدانید که تکبیر شما مورد قبول و تصدیق خداوند متعال است، و اگر چنین نبود بدانید که خداوند شما را از درگاه خویش رانده و گفته شما را تصدیق نکرده و ما را دروغگو می داند.

آری ... خدا بزرگتر است. بزرگتر از همه گفتنی ها و نوشتنی ها و اندیشه ها است؛ کسی که چنین عقیده ای داشته باشد، همه چیز در نظر او کوچک می شود و مثل رهبر انقلاب حتی به امریکا هم می گوید: هیچ غلطی نمی تواند بکند. مگر نه اینکه هواپیما، هر چه بیشتر اوج بگیرد و بالا رود، و خانه ها و ساختمان های زمین کوچکتر به نظر می آید؟ آنکه خدا در نظرش مهم و عظیم باشد جز خداوند در نظرش بی مقدار، جلوه می کند. علی (ع) این را از اوصاف اهل تقوا می شمارد که: «عظم الخالق فی انفسهم فصغرمادونه فی اعینهم».

سوره ی حمد

در هر نمازی، خواندن سوره ی حمد ضروری است. سوره ای که مشتمل بر حمد خداوند بر نعمت های اوست و بیان اوصاف پروردگار و حاکمیت او در روز قیامت و هدایت طلبی او است. برای گام زدن در راه حق؛ اینک به بیان نکاتی پیرامون فرازهای این سوره می پردازیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام یاری خدای بخشنده و مهربان شروع می کنیم.

خدائی که لطفش به همه است، مهرش همگانی و همیشگی است. دیگران یا لطفی ندارند یا همیشه ندارند یا به همه ندارند، یا هدفشان مهربانی نیست. ولی خداوند، حتی آفریدنش بر اساس لطف و مهربانی است: «الا من رحم ربك ولذلك خلقهم» اگر برخی مشمول رحمت پروردگار نمی شوند، بستگی به خودشان دارد. اگر آب دریا به تویی نفوذ نکرد، دریا تقصیری ندارد، توپ در بسته است.

اگر نور خورشید، از دیواری عبور نکرد، بخاطر عدم قابلیت دیوار است نه نور. رحمت الهی گسترده است، ولی گاهی کسانی با کار و فکر باطل خود، رحمت را به روی خود می بندند. بسم الله در اول هر کار، رمز عشق به خدا و توکل بر او و استمداد از او و وابستگی به اوست. بسم الله چنگ زدن و اعتصام به نام الهام بخش خداوند، و گریز از وسوسه های شیطان است. بسم الله نشانه ی بندگی خدا و وابستگی به اوست، یعنی اینکه: خدایا تو را فراموش نکرده ام، در هر کارم با نام تو آغاز می کنم، خود را بیمه می سازم و به کمک تو شیطان را فراری می کنم.

امام صادق (ع) می فرماید: بسم الله، تاج سوره هاست و نشانه امان و رحمت است، و در اول سوره ی براءة که بسم الله نیامده چون براءة و بیزاری از کفار است و این نباید همراه با رحمت باشد. در حدیث است که هر کار را، حتی نوشتن یک بیت شعر را با بسم الله انجام دهید، و اینکه هر کاری با یاد خدا نباشد، به اتمام نمی رسد.

الحمد لله رب العالمین

حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که همگی جهانیان را پرورش می دهد. برای پرورش جسم، نظام آفرینش و حرکت زمین و خورشید و هوا و گیاه و دریا و نعمت های مادی را قرار داده است و برای پرورش روح انبیاء و کتاب های آسمانی و حوادث عبرت آموز تلخ و شیرین و ... را قرار داده است. برای هدایت بشر، دین و قوانین استوار و مبتنی بر فطرت و متکی به عقل فرستاده، زمین را خالی از حجت قرار نداده و نعمت های بیشمار

آشکار و نهانش را، بی دریغ و منت، در اختیار انسان گذاشته است. اگر ذره ای دگرگونی و بی نظمی در سیر نظام هستی بروز کند، همه چیز به هم می ریزد.

نظام استوار و متقن خلقت، در کوه ها و گیاهان و اتم و کهکشان و آب و خاک و فصول سال و شب و روز، و دستگاههای بدن و غرائز گوناگون و هدایت های مختلف، همه مظاهر ربوبیت او برای عالمیان است. هر یک از اجزاء بدن و اعضای پیکر ما، چنان دقت و پیچیدگی و نظم شگفتی دارد که بهت آور است کیفیت چشم و گوش و قلب و دستگاه تنفس و رگها و اعصاب و حواس پنجگانه و ... چنان است که تدبیر عجیب الهی را نان می دهد. افسوس که انسان بجای شکر کفران می نماید. «وکان الانسان کفوراً» و به جای قرب به خدا اعراض می نماید.

« و اذا انعمنا علی الانسان اعرض » و به جای عشق و پرستش خدا، سرپیچی و دشمنی می کند.

« فاذا هو خصیم مبین » افسوس که به جای کرنش و خضوع، مغرورانه قد علم می کند.

« یاایها الانسان ما غرک بربک الکریم » و همینکه احساس بی نیازی کرد سر به طغیان می گذارد.

« ان الانسان لیطغی آن رءه استغنی » و نعمت های الهی را نتیجه تلاش خود می پندارد.

« انما اوتیته علی علم » و بانگ های بیدار باش را به گوش جان نمی شنود.

« و اذا ذکروا لا یذکرون » این انسان ناسپاس، از همه ی افراد، بخاطر کمترین نیکی، سپاسگزاری می کند، اما خدا

را که « ولی نعمت » اصلی است، از یاد می برد. افسوس که انسان، راه گم کرده است و چراغ فکر و فطرت را

خاموش کرده، چشم دل خود را بسته و به این و آن دل می بندد و به جای خدا، به قدرت انسانی و شیطانی تکیه می

کند.

جمله ی «الحمد لله رب العالمین» غفلت ها را از بین می برد، نعمت ها را به یاد می آورد و ما را متوجه و متذکر ربوبیت الهی می کند. خدا، رب عالمین است پروردگار تمام هستی، تمام مخلوقات و همه چیز « و هو رب کل شیء».

رب همه چیز است، نه آنگونه که در جاهلیت می پنداشتند و برای هر چیزی یک « رب النوع » می شناختند. خدا همه ی موجودات و حیوانات و پدیده ها را تحت پرورش دارد، مالک و مدیر و مدبر همه است. هم می آفریند، و هم اداره و تربیت می کند.

الرحمن الرحیم

سایه ی رحمت عام او، بر سر همه گسترده است، حتی رحمتش، بیش و پیش از غضب اوست: « سبقت رحمته غضبه ». برای خلافکاران راه « توبه » قرار داده است و متعهد شده توبه را تا دم مرگ هم بپذیرد و توبه کنندگان را دوست می دارد « ان الله یحب التوبین » و رحمت و بخشایش را بر خود الزامی ساخته است: « کتب ربکم علی نفسه الرحمه » و همه را امیدوار ساخته و به رحمت خویش فرخوانده است: « لاتقنطوا من رحمه الله ان الله یغفر الذنوب جمیعاً » از مظاهر رحمت الهی، اینست که حتی بدیها را به خوبی تبدیل می کند « یدل الله سیئاتهم حسنت ». حتی تلخیها، بلاها و سختیها هم، بگونه ای رحمت است، تا انسان را از غفلت بیدار کند، به تکاپو وادار سازد. تحمل مشکلات نیز برای اولیاء خدا شیرین است. چون در برابر تلخی ها پاداش می برند.

مالک يوم الدين

مالک روز جزا است. این صفت دیگری است این صفت دیگری است که برای خدا ذکر شده و در پی انحصار حمد و ستایش برای خداوند، بیان شده است. انسان بیشتر در سه مورد و حالت تشکر می کند:

۱. توجه به لطف گذشته

۲. توجه به محبت فعلی

با این حساب، همه ستایش‌ها باید از آن خدا باشد چرا که هم گذشته‌ی ما را تامین کرده، هم در حال حاضر از نعمت‌ها و رحمت و لطف او برخورداریم و هم در آینده و قیامت سر و کار ما با او و چشم‌امید ما به لطف و کرم اوست. او مالک است، مالک واقعی نه اعتباری و موقت و کم‌ارزش.

انسان‌ها گرچه در دنیا، در تار و پود شرک‌های پیدا و پنهان اسیرند، ولی در قیامت، همه در خواهند یافت که جهان و هر چه در آن است از اوست و مالک هستی و فرمانروای مطلق حاکم حقیقی اوست. در قیامت از مردم سوال می‌شود: «لمن الملك اليوم» حکومت امروز از آن کیست؟ می‌گویند: «حج لله الواحد القهار» از ان خدای یکتای قهار و نیرومند است. جمله‌ی مالک یوم الدین انسان را به یاد حساب رسی قیامت می‌اندازد، تا به حساب انسان نرسیده‌اند، انسان باید خود به حساب خود برسد.

امام سجاد (ع) می‌فرماید: وقتی به این جمله در نماز می‌رسید آنرا آنقدر تکرار می‌کرد که نزدیک بود روح از بدنش پرواز کند. دین به معنای جزا است. خدا مالک روز جزا و پاداش است. در این سوره هم به رحم‌الهی اشاره شده و هم به قهر و عدالت او تا رمز تربیت صحیح، یعنی زیستن میان خوف و رجا و بکارگیری مهر و قهر روشن شود.

ایاک نعبد و ایاک نستعین

تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌طلبیم

تا بحال نمازگزار عقاید خود را درباره‌ی مبدا و معاد و اوصاف خدا، بر زبان آورد. پس ثمره‌ی این عقیده باید «بندگی خالصانه» و استمداد از خداوند باشد. نمازگزار حتی اگر تنها باشد جمله را به صورت جمع می‌گوید، تا خود را در میان عبادت‌کنندگان قرار دهد. شاید عبادت نقص او میان عبادت کاملان و خالصان و آبرومندان به حساب آید و قبول شود. تعبیر جمعی این درس را می‌دهد که باید «من‌ها»، «ما» شود اساس عبادت بخصوص نماز بر پایه‌ی جماعت است و تک‌روی و انزوا و فردیت بی‌ارزش است.

پرستش همراه استعانت آمده است تادر کنار بندگی کردن، راه را هم از او بجوییم و از انحراف های فکری مصون بمانیم و گرفتار غرور و عجب، ریا و سستی نشویم. باید از او مدد گرفت، چرا که توفیق ایمان و شناخت خدا از اوست. بیدار شدن سحر گاهان وضو گرفتن با آب قدرت حرکت و قیام، از اوست. قبولی نماز و نگهداری ما از غرور و ریا به دست اوست، علاقمندی ما به عبادت رهین لطف اوست نماز گزار به عبادت خدا می ایستد و بر همین عبادت هم از خداد مدد می طلبد. عبادت تنها برای خدا! نه شرق پرستی و غرب پرستی نه بنده ی زر و زور نه تسلیم شهوت و مقام و فریفته ی زن و فرزند و مال.

این جمله ی نماز هر گونه حاکمیت غیر خدا را محکوم می کند هر گونه حقارت پذیری و استمداد از قدرت های پوشالی را نفی می کند. به نماز گزارن درس «عزت، در سایه بندگی خدا» می دهد، تا بنده و برده ی غیر خدا نشوند و از تهدیدها و تطمیع ها دیگران نلغزند و راه خدا را کنار نگذارند.

اهدنا الصراط المستقیم

اولین در خواست ما از خداوند، پس از حمد و ثنا و اظهار بندگی استمداد، در خواست هدایت به راه راست است. در مسائل فکری و عملی زندگی عقاید و رفتار و موضعگیری ها، شناخت راه صحیح، بسیار مهم، و در عین حال دشوار است. از این رو، از خداوند می خواهیم که ما را به صراط مستقیم هدایت کند.

صراط مستقیم

وقتی سخن از راه راست است، راه های غیر مستقیم هم مطرح می شود. اگر شناختی به این بیراهه ها پیدا کنیم راه را هم بهتر خواهیم شناخت. فهرستی از راه های غیر مستقیم از این قرار است.

راه های غیر مستقیم

۱. راه هوس ها که هنگام غضب و شهوت و طوفان غرائز پیش آید.
۲. راه های هوس دیگران
۳. راه افراط و تفریط ها و یکسونگری ها
۴. راه وسوسه های شیطانی و جلوه های آن
۵. راه طاغوت ها که انسان ها را با تهدید و تطمیع به آن می کشند.
۶. راه دنیا طلبی که انسان بخاطر مال و مقام، به فکر راضی کردن این و آن افتد.
۷. راه های بدون برهان و منطق و بر اساس موج و جو کاذب
۸. راهی که انسان بی فکر و مشورت و تجربه برگزیده است.
۹. راهی که روندگان را به هلاکت کشانده است.
۱۰. راه عبودیت و پرستش « وان اعبدونی هذا صراط مستقیم ».
۱۱. سلیقه ها و آراء شخصی و عادت های نابجا

پس راه مستقیم کدام است؟ راه خدا « ان ربي علي صراط مستقيم » راه انبياء « انك علي صراط مستقيم ».

صراط الذين انعمت عليهم

راه آنها که نعمتان بخشیدی

چنین کسانی که راه آنان را از خداوند می طلبیم، در آیه ی دیگری، مشخص تر معرفی کرده و می گوید: « و من يطع الله ارسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و الصديقين و الشهداء و الصالحين و حسن اولئك رفيقاً » آنکه از پیامبر پیروی کند، با کسانی است که خداوند بر آنان نعمت داده، همچون پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان و اینان چه نیکو رفیقانی هستند. اینکه در شبانه روز چند بار این آیه را می خوانیم، درخواست از خداوند است که ما را در زمره ی این چهار گروه قرار دهد.

مراحل چهارگانه (انبیاء ، صدیقین ، شهدا و صالحین) شاید اشاره به این معنی باشد که برای ساختن یک جامعه ی انسانی سالم و مترقی و مومن، نخست باید رهبران حق انبیاء وارد میدان شوند و بدنبال آن مبلغان صدیق و راستگو که گفتار و کردارشان با یکدیگر هماهنگ است تا اهداف پیامبران را از این طریق در همه جا گسترده دهند. بدنبال این دوران سازندگی فکری، طبیعتاً عناصر آلوده و آنها که مانع راه حق اند، سر بر می دارند و جمعی باید در مقابل آنها قیام کنند و عده ای شهید شوند و با خون پاکشان درخت توحید آبیاری گردد. در مرحله ی چهارم، محصول این کوششها و تلاشها به وجود آمدن صالحان است، اجتماعی پاک و شایسته و آکنده از معنویت.

جالب این است که در بحارالانوار در روایات متعددی مصداق کامل شهدا و صدیقین و صالحان، همان امامان معصوم معرفی شده اند. چنین خواسته ای در نماز، پیروی از این چهار گروه را در فکر و عمل و اخلاق می طلبد. کسی که مورد لطف و انعام خدا قرار گیرد، نه ذلت می پذیرد و نه پشتیبان ستمگران می شود. « غیر المغضول علیهم و لا الضالین » نه راه آنان که غضب شدگانند و نه راه گمراهان.

نه راه فرعون و قدرتمندان مغضوب که به خاطر بی تعهدی و گردنکشی شان، غرق و هلاک شدند. نه راه قارون ها و ستمگران سنگدل که به خاطر گردنکشی شان در برابر مردان خدا، دچار غضب الهی شده و در خاک فرو رفتند. نه راه دانشمندان و علمای بی عمل و دنیا پرست که مورد خشم خدایند. برای شناخت مغضوبان باید تاریخ سرگذشت افراد و امتهایی را مطالعه کرد که به قهر الهی دچار شدند و مورد عذاب و هلاکت قرار گرفتند.

همچون قوم یهود و قوم لوط و پیروان طاغوت ها و منافقان، قاتلان و ... نماز گزار، ضمن بیزاری از چنین گروه ها، از خدا می خواهد که رهرو راه آنان نباشد، و نیز راه گمراهان را نپوید « و لا الضالین ». آنانکه در فکر و عمل گمراهند. در پی عقاید نابجای نیاکان و گرفتار افکار شرک آلودند و در این گمراهی، تعصب می ورزیدند مصداق الضالین.

نگاهی به سوره حمد در اینجا به پایان می یابد. سوره ای که با حمد شروع شده و با استمداد و دعا پایان یافت. سوره ای که شفا بخش است و دیباچه ی کتاب الهی قرار گرفته است.

سوره توحید

بسم الله الرحمن الرحيم

قل هو الله احد ، الله صمد ، لم يلد و لم يولد و لم يكن له كفواً احد

گرچه در نماز پس از سوره ی حمد هر سوره ای را می توان خواند اما این سوره فضیلت بیشتری دارد، برای امام جماعت نیز بهتر است که برای رعایت حال دیگران سوره کوتاه انتخاب کند. شروع سوره به نام خداوند است، بسم الله غیر از سوره توبه در ابتدا تمام سوره ها آمده و یکی از آیه های همان سوره به حساب می آید، سوره ی توبه نیز چون محتوای انتقاد و براءت از کفار و مشرکان است، بدون بسم الله است زیرا، براءت و بیزاری، با صفت رحمان و رحیم، ناسازگار است.

شروع با نام خدا، برای رنگ خدایی جهت خدایی و انگیزه الهی دادن به کارها و برنامه هاست. و این از نکات فرهنگ تربیتی اسلام بشمار می رود. شروع و پایان هر کار باید با توجه به خداوند باشد، حتی ذبح حیوانات. کار بی بسم الله ناقص است و گاهی به خاطر بی توجهی به خدا، حادثه ناگوار پیش می آید، برای کسی این حادثه پیش آمد که هنگام نشستن پایه تخت لرزید و واژگون شد و سر او شکست. حضرت علی (ع) فرمود: این ناگواری بخاطر آنست که بسم الله نگفتی.

سوره ی توحید ، در معرفی خدای یکتای و بی همتاست. خداوند از هر جهت یکتا و بی همتاست چون وجودش صفاتش نامحدود است و وجود نامحدود. جز یکی نمی تواند باشد، مثل خانه ای که اگر بخواهد از جهت مساحت، نامحدود و بی نهایت باشد، زمین و مکانی برای خانه ی دیگر باقی نمی ماند و این خانه یکی بیشتر نمی شود.

خداوند یکتاست در همه چیز:

در آفرینش یکتاست: «الله خلق کل شیء»

در پرورش یکتاست: «هو رب کل شیء»

در مالکیت یکتاست: «ولله ملک السموات و الارض»

در حاکمیت یکتاست: «ان الحکم الا الله»

در فریاد رسی یکتاست: «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء»

و در همه ی اوصاف و ویژگی ها بی نظیرست: او صمد است، وجودی بی نیاز، که همه نیازمند اویند و به او توجه می کنند. صمد است، یعنی از خوراک، خواب، تغییر، تحول، شریک، فساد، غفلت، خستگی، زاد و ولد و ترس ... دور است. علی (ع) فرمود: صمد یعنی نه جسم است نه مثال، نه صورت، و نه شبیه و مکان و زمان و مرز و حد و شکل دارد، نه خالی و نه پر ...

لم یلد و لم یولد

زاد ولدی ندارد، از چیزی گرفته نشده و چیزی از ذات مقدسش گرفته نمی شود. مثل میوه نیست که از درختان جدا شود یا اشکی از چشمی بجوشد یا جرقه ای که از سنگی بجهد. این جمله نفی عقاید کسانی مثل مسیحیان و یهودیان است که عیسی و عزیز را فرزند خدا می دانند یا مشرکین که فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند.

ولم یکن له کفو احد

او بی مانند است شبهی در ذات و صفات و افعال ندارد: «لیس کمثله شیء»

خواندن حمد و سوره، باید در حال آرامش بدن باشد، و قرائت صحیح انجام گیرد و تلفظ این کلمات که به زبان بین المللی اسلام است بی غلط باشد البته فراگرفتن قرائت صحیح چندان مشکل هم نیست. اندکی همت و پشتکار

می خواهد. عربی زبان اسلام و قرآن است. همچنانکه که هر خلبانی در هر جای دنیا هنگام، تماس با برج فردگاه به انگلیسی صحبت می کند، نماز که یک پرواز روحی و معراج معنوی برای مومنان است جملاتش که گویای ارتباط با آفریدگار است، باید به عربی صحیح ادا شود.

هنگام نماز باید حضور قلب و تمرکز فکر داشت، خوبست نگاه انسان به جای سجده باشد و با خضوع قلبی ادا شود، قران مومنانی را رستگار می داند که در نمازشان خاضع باشند، یعنی به خدا و عظمت او متوجه و آگاه باشند و متناسب با آن احساس عظمت حالت روحی و جسمی داشته باشند. رسول خدا (ص) شخصی را دید که در نماز با ریش خود به بازی می کند فرمود: اگر توجهش به نماز بود، و خشوع قلبی داشت، چنین نماز نمی خواند.

البته در درستی نماز خشوع و حضور قلب یک گوشه ی کار است. رعایت امانت نسبت به حقوق دیگران هم جای خود دارد. علی (ع) به کمیل فرمود: دقت کن که در چه لباسی و مکانی نماز می خوانی، اگر لباس و مکان تو از درآمدهای حلال نباشد، نمازت قبول نیست.

رکوع

رکوع آنست که پس از پایان سوره، به نیت تعظیم خداوند و فروتنی در برابر فرمان و عظمت پروردگار، تا حدی خم شوید که دست ها به زانو برسد، کمر صاف باشد، گردن کشیده باشد، گویا نماز گزار، حاضر است که در راه خدا گردنش زده شود. در هر رکعت یک رکوع لازم است. مگر نماز میت که بی رکوع است و نماز آیات که هر رکعت پنج رکوع دارد. رکوع که از ارکان نماز است و کم یا زیاد شدن آن چه به عمد و چه به سهو نماز را باطل می کند از بهترین نوع اظهار بندگی است. رکوع، ادب است و سجود قرب و کسانی به خدا نزدیک می شوند که در اظهار ادب کوتاهی، نکرده باشند. این مضمون کلام امام صادق (ع) است که فرمود: «و فی الرکوع ادب و فی السجود قرب و من لا یحسن الادب لایصلح للقرب»

سجود

در روایات نمونه هایی از رکوع و سجود، پیشوایان نقل شده که انسان از رکوع خود شرمند می شود. سجده، نشان تذلل و خاکساری در برابر خداوند و عالیترین درجه عبودیت است. انسان، با سجده خود را هم‌رنگ با هستی می کند « ولله یسجد ما فی السموات و ما فی الارض » سجده بهترین حالتی است که انسان به خدا نزدیک می شود، سجده رمز دوران های چهارگانه زندگی انسان است علی (ع) می فرماید: سجده ی اول یعنی اینکه از خاکم ، سر برداشتن، رمز زندگی دنیایی است، سجده دوم رمز مردن و به خاک خفتن است، سر برداشتن رمز محشور شدن است. و این مضمون این آیه است که: شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر می گردانیم و بار دیگر از خاک بیرونتان می آوریم.

چون سجده، نشان عبودیت است، پس سجده بر خوردنی ها، و پوشیدنی ها ممنوع است، زیرا مردم در حال قرب به خدا، نباید به چیزی سجده کنند که (در غیر حال نماز) بنده ی آنند ... سجده برای غیر خدا جایز نیست. اگر برادران یوسف هم در برابر او سجده افتادند در حقیقت عبادت برای خدا و سپاس به درگاه او بود که یوسف را از قعر چاه به آن عزت و شوکت رسانده بود.

معنای سبحان الله

در مفهوم این ذکر تنزیه و تقدیس خداوند بی عیب و نقص دانستن او از هر جهت نهفته است. سبحان الله حقیقتی را بیان می کند که هم ریشه ی تمام عقاید و تفکرات اسلامی و هم زیر بنای همه ی روابط انسان با خدا و صفات کمال است. اما: توحید بر اساس تسبیح خداست یعنی منزّه دانستن او از شرک و شریک: «سبحن الله عما یشرکون» عدل بر اساس تسبیح است، یعنی منزّه دانستن خداوند از ظلم، خداوند به کسی ستم نمی کند، و اگر مشکلاتی و آفات و بلاهایی برای بشر پیش می آید یا برای آزمایش است، برای شکوفا ساختن استعدادها، یا نتیجه عکس العمل کارهای خود ماست.

قنوت

معنای قنوت اطاعت، دعا، توجه به خدا، خشوع در نماز است و در نماز یکی از مستحبات است که دست را تا مقابل صورت آورده و دعا کنند. گرچه مرحوم صدوق آنرا واجب دانسته است. طبق روایات در نماز جمعه و نماز صبح و مغرب تاکید بیشتر شده است. در قنوت دعای خاص لازم نیست و به فرموده امام صادق (ع) هر دعایی که بر زبان جاری شد خوب است، ولی برخی دعاها سفارش بیشتر شده است. رسول خدا (ص) فرموده که در نمازها، قنوت را طول دهید و این را سبب آسانی و وقوف انسان در مراحل حسابرسی قیامت دانسته است.

در قنوت حالت نیایش و طلب حاجت از خداست، هر چه دعاها بهتر و خواستنی های متعالی تر ذکر شود بهتر است. برخی از علما در قنوت نماز شب خود دعای جوشن کبیر می خوانند که بسی طولانی است و شامل هزار نام و صفت خداوند است و اینگونه نماز، نشان عشق به خدا و علاقه به مناجات با اوست.

تشهد

تشهد از واجبات نماز است، پس از هر دو رکعت باید نشست و تشهد خواند، که شامل گواهی دادن به یکتایی خدا و رسالت پیامبر و صلوات است. باید دو زانو نشست بگونه ای که پشت پای راست، روی کف پای چپ قرار گیرد و بهتر است سنگینی بدن به سمت چپ باشد. از آنجا که در اصطلاح قرآنی راست مظهر حق و چپ سمبل باطل است، امیر المومنین در جواب این سوال که چرا پای راست روی پای چپ قرار گیرد فرمود: تاویلش این است که: خدایا باطل را میزان و حق را بر پای دار.

تشهد بازگو کردن همان شهادت و شعاری است که در آغاز نماز در اذان و اقامه گفته شد و این برای یادآوری خط صحیحی است که در اول گفتیم در تشهد گواهی به یگانگی خدا و رسالت پیامبر در کنار هم آمده و پیوند نبوت و رهبری را با توحید و عبودیت می رساند در حمد به زبان جمع اظهار عبودیت و استعانت می کردیم، در تشهد به زبان اول شخص است. شاید گویای این باشد که این امر گواهی را هر کس باید با آگاهی و اعتقاد عمیق خود اظهار بدارد و بیعت خویش را با خدا و رسول، تجدید کند.

در شهادت به رسالت و عبودیت حضرت محمد (ص) هم عظمت مقام آن حضرت نهفته است که خداوند شهادت را به رسالت او در کنار توحید است هم پیوند نماز گزار را با خط رهبری الهی و قدردانی از او می رساند و هم مقدم بودن می رساند که رمز رسالت پیامبر عبودیت اوست و چون بنده خدا بوده به مقام پیامبری برگزیده شده است.

سلام

پس از تشهد در پایان نماز سه کلام است.

سلام نخست، به رسول خدا

سلام دوم، به خود ما و بر بندگان شایسته خدا

سلام سوم، بر همگی فرشتگان، مومنان و ...

سلام خواستاری سلامتی خیر و برکت است. سلام یکی از نام های پروردگار است و به این معنی است که آنچه از خداوند دریافت می کنیم، خیر و لطف و برکت است. سلامی که در نماز بر پیامبر می دهیم، همراه با رحمت و برکات الهی است و این بهترین شکل سلام است. «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته» سلام ما به پیامبر قدرشناسی، از زحمات اوست که ما را هدایت کرده و با خدا آشنا و مرتبط ساخته است. نماز گزار وقتی در سلام نماز به همه مومنان و بندگان صالح و بر خودش سلام می دهد احساس می کند که تنها نیست و یکی از آحاد امت بزرگ اسلام است و با مردان خدا در هر جای زمین، احساس همبستگی می کند.

نماز جماعت

آئین اسلام، از بعد اجتماعی مهمی برخوردار است و با عنایت به برکات، آثار وحدت و تجمع و یکپارچگی، در بسیاری از برنامه هایش بر این بعد تکیه و تاکید کرده است. برگزاری نمازهای روزانه ی واجب نیز به صورت جماعت گروهی، یکی از این برنامه هاست.

● اهمیت نماز جماعت

● امام جماعت

● نماز مسافر

● نماز قضا

● نماز جماعت

اهمیت نماز جماعت

غیر از آثار فردی و اجتماعی نماز جماعت پاداش های عظیمی برای آن بیان شده که در اینجا به بعضی از روایات اشاره می شود. از رسول خدا (ص) نقل شده که: «من سمع النداء فلم یجبه من غیر علیه فلا صلاه له» نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل، در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد. در حدیث، تحقیر نماز جماعت به منزله ی تحقیر خداوند بشمار آمده است: «من حقره فانما یحقر الله» شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از منافق شدن بیمه می کند. برای هر گامی که بسوی نماز جماعت و مسجد برداشته شود، ثواب و حسنه در نظر گرفته شده است.

همین که کسی برای شرکت در نماز جماعت از منزل خارج می شود، یا در مسجد، در انتظار نماز جماعت به سر می برد پاداش کسی را دارد که در این مدت به نماز مشغول بوده است. تعداد حاضران در نماز جماعت، هر چه بیشتر باشد، پاداش آن بیشتر است. این کلام رسول خدا (ص) است که فرموده: «ما کثر فهو احب الی الله» حدیث جالبی در بیان فضیلت نماز جماعت است که قسمتی از آن در رساله های عملیه هم ذکر شده که ترجمه تمام حدیث چنین است:

اگر اقتدا کننده ۱ نفر باشد، پاداش ۱۵۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۲ نفر باشد، پاداش ۶۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۳ نفر باشد، پاداش ۱۲۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۴ نفر باشد، پاداش ۲۴۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۵ نفر باشد، پاداش ۴۸۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۶ نفر باشد، پاداش ۹۶۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۷ نفر باشد، پاداش ۱۹۲۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کننده ۸ نفر باشد، پاداش ۳۶۴۰۰ نماز داده می شود.

اگر اقتدا کنندگان و امام جماعت به ۱۰ نفر رسیدند، پاداش ۷۲۸۰۰ نماز را دارد، ولی همین که عدد افراد از ۱۰ نفر گذشت، حساب آنرا جز خدا کسی نمی داند. در حدیث دیگر است: هر که نماز جماعت را دوست بدارد خدا و فرشتگان او را دوست می دارند. در زمان پیامبر (ص) هر گاه افراد نماز جماعت کم می شدند، آن حضرت به جستجو و تفقد از افراد می پرداخت و می فرمود: شرکت در نماز صبح و عشاء بر منافقان از هر چه سنگین تر است. حضور در نماز جماعت خاصه یک منطقه نیست. انسان در هر جا که باشد، خوب است به فکر نماز جماعت

و حضور در آن و تشویق دیگران باشد. رسول خدا (ص) درباره ی اهمیت جماعت فرمود: «صلاه الرجل فی جماعه خیر من صلاته فی بیته اربعین سنه. قیل: یا رسول الله! صلاه یوم؟ فقال ع صلاه واحده» یک نماز جماعت بهتر از چهل سال نماز فرادی در خانه است. پرسیدند؟ آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز. و می فرمودند: صف های نماز جماعت، همانند صف های فرشتگان در آسمان چهارم است.

اولین نماز جماعتی هم که بر پا شد، به امامت رسول خدا (ص) و شرکت حضرت علی (ع) و جعفر طیار بود. همین که ابوطالب فرزندش علی (ع) را دید که به پیامبر اقتدا کرده، به فرزندش جعفر گفت: تو نیز به پیامبر اکرم اقتدا کن و این جماعت دو سه نفری، پس از نزول آیه ی « فاصدع بما تومر » بود، که فرمان به علنی ساختن دعوت و تبلیغ می داد.

امام جماعت

در نماز جماعت، آنکه جلو می ایستد و مردم به او اقتدا می کنند، امام نام دارد بعضی نیز او را پیشوا می گویند. در نظام اجتماعی سیاسی اسلام، آنکه پیشوایی جمعی را به عهده دارد، باید از یکسری فضیلت ها و برتری ها برخوردار باشد تا فضایل او، الهام بخش دیگران نیز باشد. در نماز جماعت نیز پیش نماز، باید در علم و عمل و عدالت، برتر از دیگران باشد. در حدیث می خوانیم: «فقدموا افضلکم و فقدمو خیارکم» یعنی به با فضیلت ترین و بهترین خودتان اقتدا کنید. احادیث در این باره، بسیار است امام جماعت باید کسی باشد که مردم به ایمان و تعهد او اطمینان داشته باشند.

امام صادق (ع) فرموده است: امام جماعت رهبری است که شما را به سوی خدا می برد، پس بنگرید که به چه کس اقتدا می کنید. ابوذر فرمود: امام شما، در قیامت شفیع شماست. پس شفیع خودتان را از افراد سفیه و فاسق قرار ندهید. اقتدا کردن افراد ناشناخته و آنان که در دین با امامت، غلو می کنند نهی شده است. افرادی که در جامعه بخاطر گناه علنی، شلاق خورده اند یا از طریق نامشروع بدنیا آمده اند، حق امام جماعت شدن ندارند. امام جماعت باید مورد قبول مردم باشد، و گرنه نماز مورد قبول درگاه خداوند نیست.

امام صادق (ع) در تفسیر آیه ی شریفه « خذوا زینتکم عند کل مسجد » هنگام رفتن به مسجد ، زینت خود را همراه داشته باشید؛ فرمود: زینت مسجد، پیشوای شایسته و امام جماعت مسجد است. البته پوشیدن لباس پاک و داشتن وقار و عطر زدن و نیز در روایاتی به عنوان زینت مسجد آماده است. امام باقر (ع) فرمود: امام جماعت باید از افراد اندیشمند و صاحب فکر باشد .

رسول خدا (ص) فرمود: کسی که پشت سر امام عالم نماز بخواند، گویا پشت سر من و حضرت ابراهیم نماز خوانده است. امام جماعت باید مراعات ضعیف ترین افراد را بکند و نماز را طول ندهد. از مجموع این احادیث موقعیت حساس امامت جماعت شناخته می شود.

نماز مسافر

نماز از واجبات بسیار مهمی است که در هیچ حال از انسان ساقط نیست، حتی در مسافرت، بیماری، میدان جنگ، در حال غرق شدن و البته بنا به شرایط خاص صورت های مختلفی به خود می گیرد، ولی همواره بر انسان واجب است. یک مسلمان هنگام سفر و در طول راه هم باید بر نمازهای خویش مواظبت کند در قطار، اتوبوس، در سرما و گرما، در تنگی وقت و عجله، نباید نماز را سبک شمرد و ادای آن را به فراموشی سپرد؛ وقتی اتوبوس یا قطار، برای نماز یا صرف غذا ننگه می دارد، باید شتافت و نماز را هم خواند و اگر توفقی نکرد از راننده خواست تا نگهدارد.

نماز قضا

نماز، از حقوق خدا بر عهده ی انسان است و انجام درست و به موقع آن، بر انسان مکلف است. کسی که نماز واجب خود را به هر دلیل در وقت آن نخوانده است، مانند: فراموشی، بیهوشی، مستی، یا عدم امکان و از روی اجبار، یا از روی سهل انگاری و معصیت، و یا آنکه خوانده ولی باطل بوده و بعداً فهمیده است، باید آن نمازها را که نخوانده یا باطل بجا آورده، قضا کند. البته نمازهای روزانه ای که زنان در حال حیض یا نفاس نمی خوانند، قضا ندارد. کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوری آنرا بجا آورد. انسان تا زنده است، اگر چه از خواندن نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید.

نماز قضا را می توان با جماعت خواند، و لازم نیست نماز هر دو یکی باشد؛ مثلاً می توان قضای نماز صبح را، در جماعت نماز، مغرب و عشاء خواند و برعکس. نمازی که از انسان فوت شده، از نظر تعداد رکعات، به همان صورت باید قضا شود؛ مثلاً انسان می تواند در مسافرت قضای نماز چهار رکعتی را به صورت تمام بخواند، و اگر مثلاً در مسافرت، نماز ظهر از انسان ها قضا شده، وطن باید آن را به صورت دو رکعتی قضا کند.

نماز جمعه

در مراسم هفتگی اجتماعی مسلمین «نماز جمعه» جایگاه والایی دارد و نه تنها یک عبادت، بلکه مظهر وحدت مسلمین و شکوه و عظمت اسلام است و آگاهی پیروان قرآن را بالا می برد و نماز عبادی سیاسی محسوب می گردد. قرآن کریم درباره ی نماز جمعه می فرماید: «یا ایها الذین امنوا اذا نودی الصلوه یوم الجمعة فاسمعوا الی ذکر الله و ذرو البیع» ای ایمان آورندگان! وقتی به نماز جمعه ندا داده می شود، به سوی یاد خدا بشتابید و داد و ستد را رها کنید.

اهمیت نماز جمعه

در این زمینه احادیث بسیاری نقل شده، که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. رسول خدا (ص) نماز جمعه را «حج مساکین» دانسته و آنرا موجب آمرزش گناهان شمرده است. نماز جمعه نیایش وحدت و قدرت مسلمانان و میعاد نمازگزاران مومن است. رسول خدا (ص) در آغاز هجرت، وقتی به مدینه رسید، اولین نماز جمعه را برای مردم پیا داشت و این اجتماع شکوهمند و سازنده را پایه گذاری کرد. این نماز، بعد سیاسی و حکومتی دارد، خطیب و امام جمعه یا حاکم مسلمین است، یا کسی که از طرف رهبری، به این سمت منصوب شده است. برکات و آثار سازنده ی تربیتی و اجتماعی این عبادت سیاسی بسیار است که به، چند نمونه اشاره می شود.

۱. تقویت روحیه ی اخوت و برادری چرا که همه از، هر جا، در یک مجمع و مصلا گرد می آیند و با رنگ

ها و نژادهای مختلف کنار هم می نشینند. آنچه در نماز جماعت بود، به مراتب بیشتر و قوی تر در نماز

جمعه، این تجمیع هفتگی مسلمانان وجود دارد.

۲. تشکل نیروهای اسلام این عبادت، به نوعی مسلمانان را بر محور عبادت و نماز، تشکل یکپارچگی می

بخشد و مایه ی ارباب دشمنان اسلام و خنثی شدن توطئه های تفرقه افکنانه و شایعه های آنان است.

۳. رشد فکری-سیاسی مسلمانان به مقتضای مطالب آگاهی بخشی که در خطبه های جمعه بیان می شود،

مردم از مسائل سیاسی کشور خود و جهان، با خیر می شوند و با آشنایی به وظایف اجتماعی خویش، در

صحنه ی اجتماع حضور بیشتر می یابند.

۴. تقویت روحیه ی جمعی این نیز از آثار نماز جمعه است که قطره های پراکنده ی افراد انسانی را در یک

اثانوس گرد می آورد و همه با ارتباط متقابل و شناسایی هم، روحیهی اجتماعی پیدا می کنند و انزوا و

فردگرایی از بین می رود.

۵. مرکزیت بسیج مردم سنگر نماز جمعه، بهترین جای دعوت مردم به بسیج شدن برای جهاد دفع و حل

مشکلات اجتماعی و یاری رساندن به دیگران است. این قدرت عظیم مردمی که در نماز جمعه متجلی

می شود، همواره مورد توجه بوده و در صدر اسلام نیز رسول خدا (ص) و امیرالمومنین (ع) از مساجد و

پس از خطبه ها افراد را بسیج کرده و به جبهه های جهاد می فرستادند.

و بسیاری آثار دیگر.....